

احوال و آثار میر علاءالدوله کامی قزوینی

غلام اشرف قادری*

خانواده میر علاءالدوله کامی، از قزوین بودند و اکثر افراد این خانواده نه تنها ادیب و تاریخ دوست بودند؛ بلکه به سبب کارنامه‌های تصنیفی و تألیفی، در بین معاصرین خود امتیازی داشتند. پدرش میر یحیی بن عبداللطیف السیفی الحسینی^۱، در زمانه خود از علوم عقلی و نقلی بهره‌ای تمام داشت. چنانچه حیرتی، شاعر مشهور در مدح او می‌گوید:

قصه تاریخ ازو باید شنید کس در این تاریخ مثل او ندید

در نفائس المآثر، مصنف درباره حافظه پدر خود می‌نویسد که:

”او وقایعی را از زمان رسول اکرم ﷺ تا عهد خود از برمی‌دارد.“

چون همایون در قزوین با میر یحیی ملاقات کرد و از او درباره تاریخ سؤالات کرد. میر یحیی پاسخ داد. چون همایون جواب را شنید این قدر مسرور گردید که فرمود:

”یکی از فواید مسافرت من به عراق (عجم) ملاقات با یحیی می‌باشد“^۲.

*- رئیس گروه فارسی گاندی فیض عام کالج، شاهجهانپور (آترپردش).

۱- تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، سید علی رضا نقوی، ص ۱۰۱.

۲- نفائس المآثر، نسخه خطی کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علیگره، ص ۳۲۵.

شاه طهماسب او را در ابتدا عزّت و مرتبه زیاد می‌داد و او را «یحییٰ معصوم» می‌خواند ولی در پیری ستارهٔ بختش یاری نکرد و به سبب اختلاف مسلک شاه طهماسب، تا مدّت یک سال و نیم در اصفهان محبوس ماند و در همین حالت، حبس، از این عالم پر کدورت و ملامت در سال ۹۶۲ هـ. / ۱۵۵۵ م. خلاص یافت.

میر یحییٰ، رسایل دیگری مانند: کتاب تاریخ عمومی «لب التواریخ» به حکم ابوالفتح بهرام میرزا پسر شاه اسماعیل تألیف کرد^۱ که مشتمل بر احوال دورهٔ قدیم تا سال ۹۴۸ هجری است.

میر یحییٰ، سه پسر داشت میر عبداللطیف، قاضی صفی‌الدین عیسی و میر علاءالدوله. موقعی که شاه طهماسب برای دستگیری میر یحییٰ و خانواده‌اش به علّت سنی بودن آنها در سال ۹۶۰ هجری در آذربایجان حکم فرستاد علاءالدوله در آذربایجان بود.^۲ پدرش را خبر کرد ولی پدر نتوانست فرار کند و دستگیر شده در زندان جان سپرد البتّه عبداللطیف برادر علاءالدوله موفق شد که به کوه‌های گیلان فرار کند و از آنجا به دربار همایون پناه گزیند. استوری سبب آمدن عبداللطیف را به دربار همایون چنین می‌گوید:

«همایون شاه او را به دربار خود دعوت کرده بود»^۳.

به هر کیف همایون او را به معلّمی پسر و ولیعهد خود یعنی اکبر شاه مقرر کرد.^۴ او در سال ۹۸۱ هجری در فتحپور فوت نمود^۵ و در اجمیر نزد مزار سیّد حسین خنک سوار مدفون شد.

۱- استوری، سی.آ.، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲- منتخب التواریخ، ج ۳، ص ۹۸.

۳- استوری، سی.آ.، ج ۱، ص ۸۰۱.

۴- منتخب التواریخ، ج ۳، ص ۹۸.

۵- نفائس المآثر، نسخهٔ خطّی کتابخانهٔ مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره، ص ۲۲۲.

قاضی صفی‌الدین عیسی، برادر دوّم علاءالدوله که از وی بزرگتر بود، مانند پدر خود عالم و شاعر بود؛ و در سال ۹۷۶ هجری وارد هندوستان گشته و در خانواده شاهی سمت منشی‌گری را داشت در ۱۲ ربیع‌الاول سال ۹۸۰ هجری در شهر آگره وفات یافت. علاءالدوله بیتی چند از وی در نفائس المآثر نقل کرده است.

میر عبداللطیف، پسر دیگری داشت به نام غیاث‌الدین علی احمد ملقب به «نقیب خان» که در تاریخ و سیره بی‌همتا بود او همراه پدر خود به هند آمد. جهانگیر مداح علم و فضل وی بود. در دوره اکبر شاه ترجمه‌های کتابهای سانسکریت رواج یافته، نقیب خان در آن تراجم کارهای گرانبهایی انجام داد، اکبر او را خیلی دوست می‌داشت تا به حدی که نمی‌گذاشت، هیچوقت از نظر وی دور شود.^۱ پس از آن جهانگیر شاه هم ممدوح و سرپرست علم و فضل وی بود.

شرح حال مفصل علاءالدوله در هیچ کتاب پیدا نیست و حتی ملا عبدالقادر بدایونی که از علاءالدوله کسب فیض نموده بود، راجع به وقایع مهم زندگانی وی هیچ اشاره‌ای ننموده است و تنها مأخذ برای شرح حال علاءالدوله «نفائس المآثر» است که تألیف اوست که از آنجا می‌توانیم احوال زندگانش را جسته جسته بدست آوریم ولی از اشارات اجمالی این تذکره معلوم می‌شود که علاءالدوله از کوچکی ذوق و شوق زیادی به شعر و علاقه مفراطی به فن خطاطی داشت؛ و این فن را از امیر کلنگ یاد گرفته و رساله‌ای هم در این فن تألیف نموده بود. چنانکه قبلاً ذکر شد؛ چون شاه طهماسب پدرش را گرفتار کرد در آن وقت علاءالدوله در آذربایجان بود وی برای حفظ جان خود ترک وطن کرده به هند مسافرت کرد ولی معلوم نیست که در کدام سال وارد هند گشت. علاءالدوله به دین خود اسلام علاقه زیادی داشت. در تذکره خود در مواردی بسیار اشاراتی به آیات قرآنی و احادیث رسول اکرم ﷺ کرده است. همچنین ذوق

۱- استوری، سی.آ.، ج ۱، ص ۸۰۰

عرفان و تصوف هم داشت و همیشه در این تذکره اسم صوفیه را با احترام می‌آورد. علاءالدوله شعر هم می‌سروده ولی در این فن چندان شهرت و معروفیت نداشته است. قطعات تاریخ او که جا به جا در نفائس المآثر به نظر می‌رسد، مهارت او را در این فن ثابت می‌کند و از حیث تاریخ هم خالی از ارزش و اهمیت نیست.

سال وفات مؤلف معلوم نیست ولی در موقع تألیف منتخب التواریخ (۱۰۰۴ هـ. / ۱۵۹۵-۶ م.) در حیات بود.^۱ بعضی از تذکره‌نویسان که ذکر کوتاه و مختصری از کامی قزوینی کرده‌اند تاریخ وفات او را ۹۸۱ یا ۹۸۲ هجری نوشته‌اند ولی این اقوال درست نیست، زیرا که از مطالعه نفائس المآثر برمی‌آید که مصنف احوال شعرا را تا سال ۹۹۸ هجری ثبت کرده است پس لازم است که تا این سال یعنی ۹۹۸ هجری زنده باشد.

از طرز تحریر و حالات و معاملاتی که با دوستان و متعلقان می‌ورزید و در نفائس المآثر هم اشاراتی از آن یافته می‌شود، معلوم می‌شود که علاءالدوله عادتاً نرم‌خو و خوش‌طبع بود از این است که در تصنیف خود هم نمی‌خواهد که کسی را به قلم خود مجروح کند. به همین سبب ملأ عبدالقادر بدایونی با وجود آنکه تراجم کتاب خود را از نفائس المآثر اخذ کرده است اکثر از او بد گفته است و تذکره‌اش را بی‌اعتبار دانسته است.^۲

میر علاءالدوله شاعر هم بود و در شعر کامی تخلص می‌کرد. کامی اصلاً شاعر غزلگو بوده و غزلهایی که از کامی در دست داریم نمونه برجسته شاعری اوست. چند غزل به طور نمونه نقل می‌شود:

گذر با هم‌رهان چون سوی آن نامهربان افتد کند گرمی بهر کس تا مرا آتش به جان افتد
نمی‌رنجم اگر صد جنگ دارد بی‌جهت با من که من ترسم برای صلح غیری در میان افتد

۱- تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، سید علی رضا نقوی، ص ۱۰۴.

۲- منتخب التواریخ، ج ۳، ص ۷۷، ۱۷۰، ۲۷۳، ۲۷۸ و ۳۲۳.

چنین کز آتش رخسار او بیتابی دارم عجب نبود که رازی در میان مردمان افتد
ز قاصد چون توانم داشت پنهان عشق جانان را که از تغیر حالم گاه پرسش در گمان افتد
کسان را صد هوس در خاطر و کامی در این سودا
که باز امشب خیال زلف او در دل چنان افتد

*

ز کویش قاصد امشب باز شوق‌انگیز می‌آید ازو آورده لطف‌آمیز حرف تیز می‌آید
نبودم دوش در بزمش مگر با غیر شد همدم که باز امروز پیغامش عتاب‌انگیز می‌آید
خوش آن ساعت چون سر در فراق او نهم ناگه فتد شوری که اینک آن بت خونریز می‌آید
کند فرهاد جان از هجر شیرین وی غم دیگر که از بهر تسلی بر سرش پرویز می‌آید
که خواهد برد جان از دست او کامی چنین کرزه
عتاب آلود آن شوخ بلاانگیز می‌آید

صاحب «روز روشن» محمد مظفر حسین گوپاموی متخلص به «صبا» در تألیف
خود ابیات ذیل را به نام کامی آورده است که واقعاً انتخاب برجسته شاعری اوست:

بس دل شکسته‌ایم ز نامهربانیت بر ما ترحمی به طفیل جوانیت
بر پرسشت نشانه صد دشمنی بود کس مبتلا مباد به لطف زبانیت

*

نام آن چشم بلاانگیز را کز نگاهی صد قیامت می‌کند

*

کردی وداع و جای تو در چشم تر هنوز رفتی و صورت تو نرفت از نظر هنوز
از بس که در نظاره آن شست نازکم تیرت ز دل گذشت و ندارم خبر هنوز

صد خار غم ز تربت کامی دمیده است

دارد هزار خار دگر در جگر هنوز

*

خوار آنکه ز کوی خود برونش کردی زار آنکه بدست غم زبونش کردی
داریم بدرت کشان کشان می‌آرد آن در که هزار بار خونش کردی

علاوه بر آن غزلیات، قطعات زیادی در نفائس المآثر می‌بینم که کامی بر واقعات مهم گفته است و قدرت او را در این فن نشان می‌دهد.

مثلاً تاریخی که به موقع ولادت شهزاده سلیم نوشته، اینست:

شاهی که ز اوج سلطنت کرد خرام بنمود جمال خویش چون ماه تمام
در تهنیت قدوم و تاریخش خلق گفتند که «آفتاب دولت دوام»
۹۷۷ هجری

کامی به موقع تقرّر میرزا عزیز به عنوان حاکم گجرات، در شعبان ۹۸۰ ه. گفت:

خان اعظم ز دولت اکبر شاه شد حاکم گجرات علی‌رغم عدو
تاریخ جو جستم ز دل خورده‌شناس گفتا که «شب برأت دادند بدو»
۹۸۰ هجری

نشرنگاری علاءالدوله

علاءالدوله، آثار خود را در نفائس المآثر به شرح ذیل آورده است:

۱- صحیفه الارقام، رساله‌ای در فن خطاطی؛

۲- رساله در صنایع شعر.

دو کتاب صحیفه الارقام و رساله در صنایع شعر تاکنون یافت نشده‌اند. لذا هیچ اطلاعاتی درباره آنها در دست نیست.

کتابی که علاءالدوله را عمر دوام می‌بخشد «نفائس المآثر» است. این تذکره برای تاریخ علمی و ادبی هند در قرن شانزدهم میلادی گنج گرانبیایه است. ارزش این تذکره بدین سبب است که مورّخین و تذکره‌نگاران معاصر وی و بعد از او از آن کتاب استفاده کرده‌اند و اصلاً تنها مأخذ درباره احوال شعرا و ادبای دوره بابر، همایون و اکبر شاه است. بدایونی جلد سوم منتخب التواریخ را بر اطلاعات همین تذکره نهاده است. در حقیقت این تذکره را خلاصه کرده در منتخب آورده است چنانچه خود گوید:

”ذکر شعرای عصر اکبر شاهی که در نفائس المآثر مذکوراند که مآخذ این عجاله و مشهور به تذکره میر علاءالدوله است و بعضی آنها صاحب دیواناند، فقیر به ایشان صحبت داشته یا از دور و نزدیک دیده یا به مرتبه اشتهار رسیده‌اند.“^۱ ابوالفضل در تألیف خود «آیین اکبری» ذکر شعرا دربار اکبری کرده است. ولی این ذکر در مقابل نفائس المآثر کامل نیست. از طرز تحریر و انتخاب اشعار «نفائس المآثر» معلوم می‌شود که علاءالدوله در این کار تصنیف با باریک‌بینی و نظر نقد کلام شعرا را مطالعه کرده بود.

نام این تذکره یعنی «نفائس المآثر» نام تاریخی است که از آن سال آغاز تألیف یعنی ۹۷۳ هجری برمی‌آید چنانچه علاءالدوله خود در مقدمه در این باره وضاحت می‌کند: “از «نفائس المآثر» سال ۹۷۳ هجری برمی‌آید که سال آغاز این تذکره است.”^۲

در سال و تاریخ پایان رسیدن این تذکره اختلاف زیاد وجود دارد. چارلس ریو سال ۹۸۲ هجری را سال اختتام ذکر کرده است.^۳ ولی به قول ام‌هانی فخرالزمان، کار تصنیف این تذکره بعد از سال ۹۸۲ بوده و تا سال ۹۹۸ هجری ادامه داشت.^۴ معلوم می‌شود که اصل تذکره در سال ۹۸۲ هجری به اتمام رسیده بود ولی مؤلف بعد از آن تاریخ هم مطالبی را به تذکره اضافه کرده است که آخرین آن اضافه‌ها در سال ۹۹۸ هجری به وقوع پیوسته.

براساس نسخه خطی که در کتابخانه مولانا آزاد وجود دارد و از آن در نگارش این مقاله استفاده شده است مطالب نفائس المآثر این گونه تقسیم‌بندی شده است:

۱- مطلع: بر دو مصرع به ترتیب زیر:

۱- منتخب التواریخ، ج ۳، ص ۱۷۰.

۲- نفائس المآثر، نسخه خطی کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره، ص ۷.

۳- چارلس ریو، ص ۱۰۲۲.

۴- مجموعه نفائس، مقاله به عنوان «میر علاءالدوله کامی قزوینی»، ام‌هانی فخرالزمان، ص ۱۲.

الف - مصرع اوّل «در کیفیات صدور شعر».

ب - مصرع دوّم «در تعریف و تقسیم شعر».

۲- احوال شعرا: شرح حال و اشعار تقریباً سیصد و پنجاه شاعر به ترتیب الفبایی از روی حرف اوّل اسم یا تخلص آنها. اکثر این شعرا در زمان اکبر شاه در هندوستان می‌زیسته‌اند ولی مصنّف چندی از شعرای دوران گذشته را هم ذکر کرده است. علاوه بر این در ضمن شرح حالشان اطلاعات تاریخی و جغرافیایی هم بدست داده است.

۳- اطلاعاتی را جمع به تاریخ گجرات از سال ۹۸۰ تا ۹۸۵ هجری.

۴- مقطع: مشتمل است بر سه مطلب، که هر مطلب به یک دوره تاریخی تیموریان هند از بابر تا اکبر که سال نهصد و هشتاد و دو ادامه دارد به شرح ذیل می‌باشد:

الف - مطلب اوّل: تاریخ بابر، از سال ولادت او تا وفات، فتوحات، تجهیزات نظامی، شاهکارهای ادبی وی، قطعات تاریخی که در مواقع مهمّ از شعرای معاصر گفته شد، شش شعر و یک رباعی از خود آن پادشاه.

ب - مطلب دوّم: تاریخ همایون از جلوس تا وفات، فتوحات، لشکرکشی‌های وی، قطعات تاریخی که در مواقع مهمّ از شعرای معاصر نقل شده و شصت و هشت شعر از خود آن پادشاه.

ج - مطلب سوّم: تاریخ اکبر، از تولّد تا سال نهصد و هشتاد و دو، فتوحات نظامی وی، شرح عمارات، قطعات تاریخی که در مواقع مهمّ به قلم خود مؤلف یا شعرای معاصر دیگر گفته شد و بیست و شش شعر از خود آن پادشاه.

علاوه بر این حال چندی از خوانندگان درباره اکبری که در هیچ جای دیگر پیدا نمی‌شود، نیز در این نسخه معرفی شده‌اند.

تمّت اوّل: وقتی که بار اوّل این کتاب به پایان رسید.

تمّت دوّم: بعد از ملاحظه اکبر با اضافه‌هایی که بابر پادشاهی در آن به عمل آورد.

این قسمت نفائس المآثر از نظر تاریخی خیلی مهم است زیرا که معلومات تاریخی عهد بابر و همایون و اکبر در آن فراوان است و احوال و آثار و وقایع تاریخی که جای دیگر کمتر یافت می شود در آن آمده است. ولی برای ما اهمیت نفائس المآثر به سبب احوال و آثار شعرا است که در قسمت دوم نفائس المآثر ذکر شده و عدّه آنها به سیصد و پنجاه می رسد.

ارزش و اهمیت این تذکره بسیار است. اطلاعات آن مستند و معتبر است. اینک چندی از نکاتی که بیان کننده ارزش و اهمیت آن است، ذکر می شود.

اطلاعاتی که مصنف راجع به شعرای معاصر خود در این تذکره آورده است خیلی مهم و با ارزش و مورد اعتبار و اعتماد است زیرا که عبداللطیف قزوینی برادر علاءالدوله استاد اکبر شاه بود. بنابراین در دربار شاهی نفوذ فراوانی داشت و با اکثر شعرای دربار شخصاً آشنایی داشت. این آشنایی شخصی در گردآوری اطلاعات احوال و شعر ایشان مؤثر واقع شده است.

وقایعی که مربوط به عهد اکبر شاه است دارای ارزش و اهمیت زیاد است. زیرا که مؤلف این وقایع را به چشم خود دیده یا از مردمان معتبر و موثق آن عهد شنیده بود. هیچ کتاب دیگری به اندازه نفائس المآثر شرح شعرای زمان اکبر شاه را نیاورده است.

این تذکره فقط تذکره شعرای این زمان نیست بلکه فرهنگ بزرگی است در احوال شعرا و گلدسته ادبی است که در آن بهترین انتخاب از اشعار سیصد و پنجاه شاعر فارسی که برخی از ایشان مربوط به ایران بودند و بعضی هندیان و بعضی دیگر متعلق به هر دو مملکت. مؤلف احوال و آثار و اشعار همه گویندگان را خواه آنها شعرای پیشه‌ور باشند یا پادشاهان وقت و شهزادگان و امرا و مردمان دیگر دربار ایشان که شاعر بودند و شعر می گفتند و شعرای که متعلق به دربار ایشان یا به دربار امرای ایشان

بودند. علاوه بر آنها کسانی که هیچ جای دیگر ذکر هم نشده بودند از عصر بابر پادشاه تا سال نهصد و نود و هشت هجری، در این اثر گنجانیده است.

مؤلف در این کتاب اشعار و شرح حال اکثر اشخاص را از طبقات مختلف مردم از قبیل سلاطین و امرا و فضلا و شعرا که از عهد بابر شاه تا عهد اکبر شاه به فارسی شعر می‌سرودند، نقل کرده است.

برای ادراک ذوق ادبی و علمی خاندان تیموری هند و امرای دربار آنها از زمان بابر تا زمان اکبر هیچ مأخذی بهتر و مفصل‌تر از این کتاب وجود ندارد.

ضمناً این کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای زمانهای گذشته را مانند؛ مسعود سعد سلمان، امیر خسرو، ظهیر فاریابی و عبدالرحمن جامی، و غیره را نیز دربردارد. این همه تذکر محض برای تبرک و تیمن نیست بلکه تحقیقات تاریخی در آن پی برده شده است و بیشتر اغلاط پیشینیان مثل دولت شاه را نشان داده و اطلاعات خود را بر آن افزوده و شعری که قبلاً در تحفه سامی و مجالس النفائس ضبط شده بودند مؤلف راجع به آنها اطلاعات بیشتری اضافه نموده و خود در مقدمه بروز داده که از زمان خردسالی به شاعری علاقه‌ای می‌داشت و در احوال شعرا تحقیقاتی را می‌نموده و آن را به صورت کتاب درآورد.

در مورد شعرای متقدم غیر از تذکره‌های دولت شاهی و علی شیرنویسی و غیره از کتب تاریخ و جغرافی نیز استفاده کرده است و در ذیل شرح حال شعرا گاهی اطلاعات مفید تاریخی و جغرافیایی نیز ارائه داده است.

مؤلف در پایان حال هر شاعر راجع به شهری که آن شاعران متعلق به آن بوده بیان مفصلی نموده و حکایات و اشعار هم که به آن تعلق داشت، درج ساخته، اطلاعات درباره شهرهای فارس از «نزهت القلوب» تألیف حمدالله مستوفی و احوال شهرهای هندوستان از آثار دیگر مانند «تذکر بابری» و «تاریخ رشیدی» و غیره بدست آورده است.

در پایان این کتاب مؤلف بیان تاریخی بابر شاه، همایون شاه و اکبر شاه را که تا سالهای نهصد و هشتاد و دو ادامه داشت به قلم درآورده است. بنا بر اطلاعات شخصی در ضمن شرح تاریخی بیان مفصلی راجع به قلعه‌های سورت و مند و نیز واقعاتی که گاه به گاه به وقوع پیوسته به قید تحریر درآورده، اضافه نموده است.

اکبر موسیقی را هم دوست داشت و خوانندگان را تربیت می‌کرد. در این ضمن شرحی از خوانندگان که ابوالفضل در «آیین اکبری» داده است فقط یک فهرست مختصری است. ولی مؤلف نفائس المآثر تحت احوال خوانندگان ذکر هر یک از ایشان را مفصل‌تر نوشته است. احوال خوانندگان ایرانی و هندوستانی را جداگانه ذکر کرده است. از خوانندگان ایرانی میر سید علی غجکی، استاد دوست محمد، استاد یوسف مودود هروی، استاد قاسم جنبکی مصری، استاد بهرام قلی، استاد حافظ قانونی و غیره را ذکر کرده است همین‌طور از خوانندگان هندوستان میان تانسین، باز بهادر خان، ملا اسحاق ملتانی، سبحان خان و شیخ داوود و غیره را مورد تذکر قرار داده، مؤلف ضمناً موسیقی دوستی اکبر را هم مورد بررسی قرار داده است و از این تذکره معلوم می‌شود که با همه موسیقی دوستی اکبر موسیقی اروپایی را دوست نمی‌داشت.

لذا نفائس المآثر مهم‌ترین تذکره‌ای است که در آن احوال شعرای دوره اکبری مندرج است. استعداد علمی امرا و علاقه ایشان به شاعری در هیچ جای دیگر به این تفصیل دیده نمی‌شود این اثر اگرچه در سال نهصد و هشتاد و دو به پایان رسید ولی احوال شعرای مابعد مانند عتابی، عرفی و مظهری و غیره بعداً در آن اضافه شده. بدین جهت مهم‌ترین مآخذ درباره شعرای عصر همایون شاه و اکبر شاه به شمار می‌رود؛ و هیچ کتابی دیگر به این پایه نمی‌رسد حتی تاریخ محمد عارف قندهاری و تذکره الواقعات تألیف جوهر آفتابچی و تذکره همایون و اکبر تألیف بایزید که تقریباً تا سال نهصد و نود و دو تکمیل یافته بودند، به درجه نفائس المآثر نمی‌رسد.



منابع

نسخه خطی:

نفائس المآثر، علاءالدوله کامی قزوینی، گنجینه حبیب گنج، کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره.

نفائس المآثر، مقاله برای دکتری امهانی فخرالزمانی، براساس نسخه خطی کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره.

کتاب:

آیین اکبری، شیخ ابوالفضل، کلکته، ۱۹۷۷ م.

پرشین لتریچر، سی.آ. استوری، لندن، ۱۹۵۳ م.

تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، تهران، ۱۳۶۳ ه. ش.

تاریخ تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، احمد گلچین معانی، تهران، ۱۳۴۸ ه. ش.

تحفه سامی، سام میرزا صفوی، تهران، ۱۹۳۴ م.

مجالس النفائس، میر علی شیر، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۶۳ ه. ش.

مجموعه مقالات، پرفسور هادی حسن، حیدرآباد، ۱۹۵۶ م.

مجموعه النفائس، امهانی فخرالزمان، علیگره، ۱۹۷۷ م.

مذکر احباب، بهاءالدین حسن نثاری بخاری، تهران، ۱۹۶۹ م.

منتخب التواریخ، عبدالقادر بدایونی، کلکته، ۱۸۶۹ م، ج ۳.

رساله فکر و نظر (اردو)، دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره، اکتبر ۱۹۶۰ م، ج ۱، ش ۴.
